

PV!

چطوری در کار گروهی موفق باشیم؟



این روزها کم کم پروژه‌های گروهی و کارهای تحقیقی مدرسه شروع میشه و موفق شدن در این کارها ارتباط مستقیمی با عضو شدن توی یک گروه خوب داره؛ برای داشتن یک گروه خوب توی مدرسه، لازمه که باید‌ها و نبایدهای کار گروهی رو یاد بگیریم؛ چیزی که بعدها توی دانشگاه و محل کار مون هم به درمون می‌خوره. اعضای یک گروه موفق، وظیفه خودشون رو مسئولانه انجام میدن و همه کارها رو روی دوش یک نفر نمی‌ذارن؛ موفقیت و شکست گروه رو، موفقیت و شکست خودشون می‌دونن و وقتی مشکلی پیش بیاد جا نمی‌زنن؛ تکراری نمی‌کنن و منافع گروه رو فدای نشون دادن خودو اثبات توانایی هاشون نمی‌کنن. جلسه‌های گروهی رو جدی می‌گیرن و توی این جلسات هم از کارهای خوب همدیگه تعریف می‌کنن و هم صریح اما مودب از نقطه ضعف‌های گروه انتقاد می‌کنن. گروه‌های دیگه رو دشمن خودشون نمی‌دونن و اون قدر همکاری شون موثر و کارآمده که نیازی به تخریب بقیه ندارن. کسی که به عنوان رهبر تعیین میشه، رفتاراش با دوستانش تغییر نمی‌کنه؛ یعنی به کسی دستور نمیده و مغرور نمیشه بلکه کنار دوستانش تلاش می‌کنه. اعضای یک گروه خوب، قبل از هر چیز با هم رفیق اند و اجازه نمیدن مشکلات و سختی‌های همکاری، رفاقتشون رو خراب کنه.

گپی با یک نوجوان قهرمان اسکیت

سرعت، دقت، هیجان

اسکیت سرعتی کسب کنم».

■ اسکیت، ورزشی برای همه

مبینا می‌گوید: «اسکیت، به چند رشته مختلف تقسیم می‌شود که موفقیت در هر کدامشان به چیزهای متفاوتی بستگی دارد. مثلاً در بخش «سرعت و رقابت»، شتاب عامل مهمی در موفقیت فرد است. اما همین شتاب، در یک شاخه دیگر اسکیت مثلاً در

مصطفی میرجانیان-با دیدن ما از سرعتش کم می‌کند. چنان نفس نفس می‌زند که تا چند لحظه نمی‌تواند خوب و راحت صحبت کند. «مبینا آستارائی» از آن نوجوان‌هایی است که آرام و قرار ندارد و در تمام مدت گفت‌وگو، می‌شود از چهره‌اش فهمید که لحظه‌شماری می‌کند تا صحبتش با ما تمام شود و دوباره به تمرین خود برسد. مهمان این هفته ما، آن قدر مدال و لوح تقدیر دارد که حتی برای عکس گرفتن هم نمی‌تواند همه‌شان را با خودش به محل گفت‌وگو بیاورد. این شما و این یک قهرمان اسکیت نوجوان.

■ سرگذشت یک قهرمان

مبینا ۱۲ ساله حالا قهرمان اسکیت است امروزه‌هایی را که هیچی از اسکیت نمی‌دانسته، یادش نرفته است: «چهار ساله بودم که یک روز با پدرم و یکی از دوستانش که قهرمان اسکیت بود، به پیست رتفیم تا از نزدیک تمرینات و حرکات نمایشی او را ببینیم. آن حرکات و تکنیک‌ها آن قدر برایم جالب بود که من هم علاقه مند شدم و تصمیم گرفتم اسکیت یاد بگیرم. از آن موقع تا امروز توانستم دو مقام اول مسابقات قهرمانی کشور، دو مقام اول مسابقات استانی و شرق کشور و چندین مقام دیگر در رشته



عکس: وحید بیات

درگیر شدن با خاطرات

ولی زمانی که سرمه‌اپایین می‌گیرم، چشمانم مغزهر دو برای لحظاتی مکث می‌کنند. مثل این که به‌طور عجیبی توجهشان به کفش‌هایم جلب شده‌است. در این لحظه ذهنم با مرور چند خاطره نسبتاً فراموش شده دوباره شروع به حرف زدن می‌کند؛ کفش‌هایم! کفش‌هایی که با آن‌ها برای بسیاری از آدم‌ها دویدم ولی آن‌ها اصلاً... آن قدر درگیر خاطرات تلخم هستم که اهمیتی به وارد شدن به فضای نورانی پارک نمی‌دهم. ذهنم اما یک دفعه کتاب انگیزش رامی‌بندد و کتاب جدیدی را بازمی‌کند؛ باز هم خاطرات... اما این بار کمی بهتر. مثل

این که فضای روشن پارک، در خشخشی خاصی به دلم می‌بخشد. یاد می‌آید آدم‌های مهریانی هم بودند که با من و کفش‌هایم هم‌قدم شدند و حتی کسانی که دلشان را برای ما فرستادند! نمی‌دانم، چقدر گیج شده‌ام. او! چقدر دیر شده‌است باید برگردم خانه! اما نتیجه این همه درگیری ذهنی چه می‌شود؟ آیا می‌توانم این روشنی را دوای دردی برای آن تاریکی‌ها دانست؟ نمی‌دانم! قضاوتش را می‌گذارم به پای خود کفش‌هایم!

نویسنده: عسل بزرگوار، ۱۵ ساله



#حال خوب



عکس: صادق ذبیح

سجاد ۱۳ ساله می‌گه: «حال من وقتی خوبه که کسی دور و برم دچار مشکل و سختی نباشه. خیلی رو این چیزها حساسم و برای این‌که در باره شون فکر نکنم سعی می‌کنم هر طور شده سر خودم رو گرم کنم حتی شده با بازی کردن!»

سری‌چپه

خانه‌های سنگی

انسان‌ها در روزگار گذشته، برای داشتن سرپناه چاره‌ای نداشتند جز این که با سختی زیاد در دل کوه، برای خودشان خانه‌ای دست‌وپا کنند. آن‌ها احتمالاً هیچ وقت فکرش را هم نمی‌کردند که چندین سال بعد، خانه‌هایشان جاذبه گردشگری پیدا کند و آدم‌ها برای دیدن آن‌ها به نقاط مختلف دنیا سفر کنند. بادرچه در سفر به این غارهای جالب، همراه شوید.

■ اولین اقامتگاه‌های بشر

«سای‌دی‌ماترا»، غارهایی هستند که در شهر قدیمی «ماترا» ایتالیا قرار دارند. قدمت این غارها به دوران قبل از تاریخ بازمی‌گردد و گفته می‌شود از جمله اولین اقامتگاه‌های بشر در ایتالیا به‌شمار می‌روند. نکته جالب این که تا سال ۱۹۵۰ همچنان افرادی در این غارها زندگی می‌کردند که خیلی‌هایشان به مناطق مدرن اطراف این روستا نقل مکان کردند اما بعضی از ساکنان بر زندگی در این غارها اصرار داشتند چرا که این غارها بیش از ۹ هزار سال محل سکونت اجدادشان بوده‌است.



■ غاری در دل شهر

«اورتا حصار» به معنی «قلعه میانی»، در مرکز شهر «کاپادوکیا» گورم در قلب ترکیه قرار گرفته‌است. یکی از مشهورترین سازه‌های این منطقه، غارهای کنده شده در دل سنگی است که در ارتفاع ۸۶ متری قرار دارد. امروزه این غارها خالی از سکنه هستند ولی بازدیدکنندگان می‌توانند با بالا رفتن از پلکان به داخل این غارها بروند و از آن‌ها دیدن کنند.



■ غار مسکونی

اما شاید جالب‌ترین نمونه این خانه‌ها را بتوان در کشور خودمان پیدا کرد؛ روستای «کندوان» آذربایجان شرقی، روستایی بسیار قدیمی است که قدمتش به قرن هفتم هجری بازمی‌گردد. خانه‌های این روستا در دل کوه‌های مخروطی شکلی که در اثر فعل و انفعالات آتشفشانی کوه‌های سهند ایجاد شده‌اند، ساخته شده‌است. معماری روستای کندوان و جاری بودن زندگی مردم در قالب بافت قدیمی آن، امروزه یک استثنا در دنیا به‌شمار می‌آید چرا که دیگر در چنین خانه‌هایی کسی زندگی نمی‌کند.

منبع: مجله اینترنتی نوجوان‌ها



آثار شما

کمیک



چند راه حل ساده
برای این‌که در
مدرسه دوستان
بیشتری پیدا کنید: